

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Explaining the Impact of Social and Political Currents of 1921-1978
on the Formation of Contemporary Memorial Tombs of Iran
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تبیین تأثیر جریان‌های اجتماعی و سیاسی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ بر شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی ایران معاصر*

معصومه یاورى کلور^۱، سیمون آیوازیان^{۲*}، فرهاد فخار تهرانی^۳، اصغر ساعدسمیعی^۴

۱. پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۲. استاد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۳. دانشیار مرمت ابنیه تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۴. دانشیار معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۰۹ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۸ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۷/۰۱

چکیده

بیان مسئله: معماری به‌عنوان بخشی از فرهنگ هر جامعه برخاسته از بستر اجتماعی و سیاسی آن جامعه است. در برخی مناطق جغرافیایی، یادمان‌های آرامگاهی شکل‌دهنده بخش مهمی از تمدن آن کشور محسوب می‌شود. در ایران نیز، با توجه به اهمیت این بناها به لحاظ مذهبی، با ظهور حکومت پهلوی، نوعی متفاوت از بناهای آرامگاهی و نگرشی نو به معماری بناهای یادمانی و آرامگاهی شکل گرفت. عمده‌ترین دلیل این تفاوت به بستر اجتماعی و سیاسی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ بازمی‌گردد. شناخت این بستر و چگونگی ایجاد آن می‌تواند درک بهتری از نحوه شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی ایران در این دوران را در پی داشته باشد.

هدف پژوهش: هدف از این پژوهش تبیین جریان‌های تأثیرگذار سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ بر روند شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی ایران معاصر و بررسی چگونگی تأثیرگذاری این جریان‌هاست. به عبارت دیگر، در این پژوهش به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که اولاً تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی کدام‌اند، و ثانیاً این تحولات به چه نحو بر روی این روند تأثیر گذاشته‌اند؟

روش پژوهش: ابتدا، پس از بررسی میدانی، نمونه‌هایی موردی انتخاب و سپس با ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد به روش تاریخی-تفسیری، جریان‌های سیاسی و اجتماعی هم‌دوره این بناها بررسی می‌شوند؛ سرانجام، تأثیر این تحولات بر جامعه و چگونگی این اثرگذاری در هر دوره مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: بررسی اسناد موجود نشان می‌دهد که در دوره پهلوی اول تحولاتی همچون غرب‌گرایی، مذهب‌ستیزی، و سعی در ایجاد وحدت ملی، تأثیری بی‌واسطه‌تر بر روی این فرایند گذاشته و بر انتخاب آرامگاه‌ها، شکل و ساختار آن‌ها اثری مستقیم داشته‌اند. با تداوم این تحولات در دوره پهلوی دوم، این اثرگذاری بر روی معماری یادمان‌های آرامگاهی به‌واسطه بسترهای فرهنگی ایجادشده صورت گرفته است. همچنین طراحی این بناها، نسبت به دوره قبل، از رویکردهای شخصی معماران و تحولات هنری جامعه جهانی تأثیر بیشتری گرفته و این منجر به تغییر، هم در فرم و هم در جزئیات، شده است.

واژگان کلیدی: یادمان‌های آرامگاهی، معماری ایران معاصر، جریان‌های سیاسی و اجتماعی ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷، معماری آرامگاهی.

تهرانی و دکتر «اصغر ساعد سمیعی» در در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در حال انجام است.
** نویسنده مسئول: ayvasimon@yahoo.com، ۰۹۱۲۶۰۷۳۱۷۳

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «معصومه یاورى کلور» با عنوان «مؤلفه‌های موثر بر پیدایی فرم در یادمان‌های آرامگاهی ایران معاصر» است که به راهنمایی دکتر «سیمون آیوازیان» و مشاوره دکتر «فرهاد فخار»

مقدمه و بیان مسئله

تاریخ معماری ایران در دوره پهلوی اول و دوم بیش از هر دوره دیگری تحت تأثیر عوامل مختلف خارجی و جریان‌های سیاسی و اجتماعی داخلی قرار گرفته است. می‌توان گفت معماری ایران در این دوره‌ها، و بالأخص در دوره پهلوی اول، مانند ابزاری برای نیل به اهداف سیاسی و اجتماعی بوده است. معماری یادمان‌های آرامگاهی نیز، به لحاظ داشتن بار معنایی بسیار، از این تأثیرات مستثنا نبوده است، به طوری که در برخی موارد می‌توان آن‌ها را حاصل کنشی اجتماعی و سیاسی دانست. به‌طور کلی، معماری دوره پهلوی اول تا مدتی در کشاکش آنچه باید براساس ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) ساخته می‌شد و آنچه غرب به‌سوی آن در حال حرکت بود، دچار نوسان بود. در این میان، یادمان‌های آرامگاهی به‌تبع رویکردهای سیاسی و تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌هایی برای آینده نوین ایران بنا نهاده شدند. این یادمان‌ها هر یک به‌نوعی از سبک‌های رایج دوران وام می‌گرفت. تحولات معماری در دوره پهلوی دوم را نیز می‌توان در معماری این دوره، چه از نظر حجمی، فرم، تکنولوژی و استفاده از استعاره‌های معماری گذشته ایران با خیال خاص طراح در پروژه‌های سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷ ه.ش. ایران مشاهده کرد (ثبات‌ثانی، ۱۳۹۲، ۵۲). بنابراین، با نگاهی کلی به روند تحول معماری در طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷، به این نکته پی خواهیم برد که یادمان‌های آرامگاهی ایران معاصر، علاوه بر تأثیرپذیری از تحولات معماری دوران، در برخی موارد مستقیماً حاصل بستر اجتماعی و فرهنگی دوران خود بوده‌اند. شناخت این بستر و چگونگی شکل‌گیری آن، همین‌طور نحوه اثرگذاری عوامل مختلف بر روی شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی، هدف اصلی این پژوهش است. این پژوهش در پی پاسخ به سؤالات ذیل است:

- جریان‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بر روی شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ کدام‌اند؟
- جریان‌های سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی اول و دوم به چه نحو بر معماری یادمان‌های آرامگاهی تأثیر گذاشته‌اند؟

برای پاسخ به مسائل فوق، به‌بازشناسی زمینه سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ می‌پردازیم، جریان‌های اثرگذار بر روی معماری یادمان‌های آرامگاهی را استخراج می‌کنیم و نحوه اثرگذاری آن‌ها را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

پیشینه پژوهش

از حیث موضوع، پیشینه پژوهش مبسوطی یافت نشد و از این حیث پژوهش حاضر بدیع است؛ اما برای دستیابی به مبانی نظری مورد نیاز، منابعی که به بررسی عوامل زمینه‌ای تحول معماری ایران در دوره مربوطه، تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره و تاریخچه یادمان‌های آرامگاهی پرداخته‌اند، به شرح جدول ۱ ارائه می‌شوند. هر کدام از این منابع، به‌عنوان مبانی برای مطالعات حوزه مربوطه، به روند تحلیل داده‌ها کمک می‌کند و آن‌ها را مستند می‌سازد.

روش پژوهش

این پژوهش در پی یافتن رابطه‌ای منطقی میان متغیر مستقل یعنی «جریان‌های اجتماعی و سیاسی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷» و متغیر وابسته یعنی «یادمان‌های آرامگاهی ایران معاصر» است؛ لذا برای درک چگونگی این رابطه، به بررسی بستر تاریخی و تبیین جریان‌های اثرگذار بر روی شکل‌گیری کاربری یادمان‌های آرامگاهی می‌پردازد. روش پژوهش، در بُعد بازشناسی بستر تاریخی (که بر روی معماری اثرگذار است)، تفسیری-تاریخی و در بعد موضوعات معماری مربوط به یادمان آرامگاهی به‌صورت توصیفی و تحلیلی است. پژوهش تفسیری-تاریخی شامل گردآوری نظام‌مند اطلاعات و ارزیابی منتقدانه داده‌های برگرفته از رویدادهای گذشته است (طیبی، ملکی و دلگشایی، ۱۳۹۵، ۲۲۶).

در این نوع پژوهش، پژوهشگر بر آن است که از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، و ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، حقایق گذشته را به‌صورتی منظم و عینی ارائه کند و نتایج پژوهشی قابل دفاعی را در خصوص فرض یا فرض‌های ویژه پژوهش استنتاج کند (نادری و سیف‌نراقی، ۱۳۸۵، ۶۶)؛ بنابراین اطلاعات تاریخی از منابع دست اول و دوم استخراج و تحلیل شده‌اند. به‌منظور حصول اطلاعات مرتبط با نمونه‌های موردی، مشاهداتی میدانی انجام شده و هم‌زمان، با بررسی اسناد با ابزار کتابخانه‌ای، نحوه اثرگذاری متغیرها مورد تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش، پژوهشگران نمی‌توانند در متغیرها مداخله داشته باشند، بنابراین تحلیل و تفسیر داده‌ها به‌صورت روایت‌گونه و، از حیث فرایند، کیفی است و روند تحلیل داده‌ها استقرائی خواهد بود. تمرکز پژوهش بر دوره زمانی میان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ یعنی بر فعالیت‌های دو دوره انجام آثار ملی است و نمونه‌ها از میان تمامی یادمان‌های آرامگاهی دوره مربوطه انتخاب شده‌اند. در مدل ارائه‌شده در تصویر ۱، مراحل تحقیق و ابزار دستیابی به اطلاعات مشخص شده است.

مبانی نظری

• تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰

سخن از تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره حکومت رضاخان بسیار است. آنچه باید بدان پرداخت، تأثیر این تحولات بر ابعاد فرهنگی جامعه ایران نوین و متعاقباً بر هنرهای مختلف این دوره است. از دید تحلیل‌گران سیاسی، روی کار آمدن حکومت رضاخان ایران را صاحب نخستین دولت شبه‌مدرن به سبک اروپا کرد؛ دولتی که نوگرایی و توسعه دولت‌سالار جامعه ایران را در دستور کار قرار داد. بدین منظور، نهادهایی تازه چون ارتش منظم، نظام پولی واحد و برنامه‌های آموزشی عرفی بنا گذاشته شد (اتابکی، ۱۳۸۵، ۱۸). از این روست که همایون کاتوزیان (۱۳۸۵) سال ۱۳۰۳ را آغاز مدرنیزاسیون در ایران جدید می‌داند. او بر این عقیده است که رضاخان، و سیستم وی، سعی در استفاده از تفکرات قبل از

این دوره منجر به ایجاد چند گرایش فکری مؤثر بر جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و هنری دوره معاصر شد که می‌توان اثر آن‌ها را در هنر این دوره مشاهده کرد.

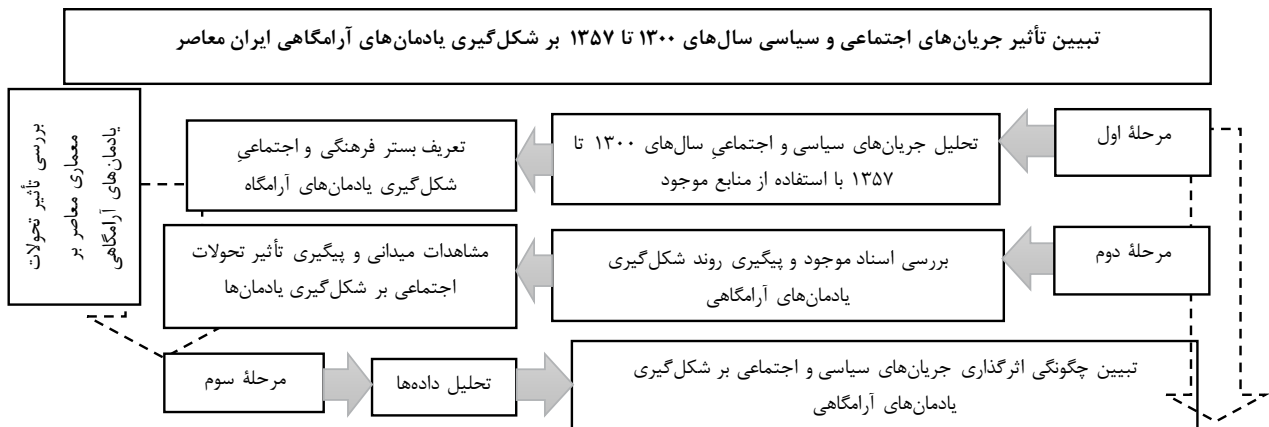
• ناسیونالیسم رضاخانی

«ملی‌گرایی» یا «ناسیونالیسم» در لغت نوعی آگاهی جمعی است، یعنی آگاهی به تعلق به ملت؛ آن را «آگاهی ملی» می‌خوانند و اغلب پدیدآورنده حس وفاداری، شور و دل‌بستگی افراد به

اسلام و فعال‌سازی احساسات ملی‌گرایانه و کاهش تأثیرات مذهبی در جامعه داشتند (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۷۳). تلاش برای نوسازی، اگرچه به رأی برخی صاحب‌نظران به مدرن شدن ایران نینجامید، مظاهری از مدرنیته را به ایران آورد و سبک زندگی ایرانیان را نسبت به دوران گذشته دگرگون کرد. در طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش، ساختار اجتماعی ایران و بالطبع سبک زندگی و الگوهای اجتماعی بسیار تغییر کرد. به هر روی، تحولات

جدول ۱. دسته‌بندی پیشینه پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

مفاهیم	منابع	نوع منبع	موضوعات مورد اشاره
زمینه اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در دوره پهلوی اول و دوم معماری دوره پهلوی اول و دوم	آبراهامیان (۱۳۹۴)	کتاب	به تحولات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب مشروطه اشاره دارد و اقدامات عمرانی و فرهنگی دو دوره پهلوی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس، تأثیر این تحولات بر روی ابعاد مختلف جامعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.
	آبراهامیان (۱۳۹۳)	کتاب	رخدادهای سیاسی انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده تأثیرات نظام‌های سیاسی بر نظام‌های اجتماعی را تحلیل و تحولات ناشی از این تأثیرگذاری را بیان می‌کند.
	نظری (۱۳۸۶)	مقاله	رویکرد ناسیونالیستی پهلوی اول و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت اجتماعی دوره پهلوی اول مورد بررسی قرار می‌گیرد.
	آل احمد (۱۳۵۷)	کتاب	رویکردهای روشنفکری دوران معاصر و جریان‌های روشنفکری و همین‌طور تأثیر آن‌ها بر جامعه مدرن ایران در ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار می‌گیرد.
	آل احمد (۱۳۶۵)	کتاب	تحولات ناشی از غرب‌گرایی و تأثیر آن بر اجتماع و هویت و رویکردهای اجتماعی در دوره پهلوی بررسی می‌شود.
	همایون کاتوزیان (۱۳۸۵)	کتاب	شرایط سیاسی ایران بعد از ظهور رضاخان بررسی می‌شود، و چگونگی نفی همه سنت‌ها، نهادها و ارزش‌های ایرانی عقب‌مانده، و شکل‌گیری ناسیونالیسم رادیکال و شیفته شکوه شاهنشاهی باستانی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.
	ثبات‌ثانی (۱۳۹۲)	مقاله	به بررسی عوامل تأثیرگذار بر تحولات معماری ایران در دوره دوم پهلوی، نقش معماران خارجی در تحول معماری ایران، و تأثیر دانشکده‌های معماری و معماران ایرانی فارغ‌التحصیل از خارج بر شکل‌گیری رویکردی جدید به فرم و تکنولوژی معماری می‌پردازد.
	بانی مسعود (۱۳۸۸)	کتاب	عوامل سیاسی و اجتماعی و تعامل آن‌ها و در نتیجه تأثیر آن‌ها بر معماری بعد از انقلاب مشروطه را مطالعه می‌کند.
	کیانی (۱۳۸۳)	کتاب	تحولات مؤثر بر شکل‌گیری سبک‌های معماری ایران در دوره پهلوی اول را مورد تحلیل قرار می‌دهد.
	مختاری طالقانی (۱۳۹۰)	کتاب	تلفیق معماری اقتدارگرای اروپایی با عناصر معماری ایرانی را بررسی می‌کند و به نقش سلیقه شخصی معماران در شکل‌گیری معماری معاصر می‌پردازد.
بمانیان (۱۳۸۵)	مقاله	جریان‌های مؤثر بر شکل‌گیری معماری پهلوی اول را بررسی می‌کند.	
بناهای یادمانی ایران	پریزاده استیاری (۱۳۹۳)	مقاله	خاستگاه فرهنگی بناهای یادمانی را مورد تحلیل قرار می‌دهد، و به بررسی زمینه شکل‌گیری بناهای یادمانی می‌پردازد.
انجمن آثار ملی	بحرالعلومی (۱۳۵۵)	کتاب (منابع دست اول)	اسناد ساخت آثار انجمن ملی
	صدیق (۱۳۵۶)	مقاله (دست اول)	اسناد و مدارک پروژه‌های انجمن آثار ملی
	بحرالعلومی (۱۳۵۵)	مقالات (دست اول)	مجموعه گزارش‌های انجمن آثار ملی



تصویر ۱. مراحل انجام پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

تاریخ توسط امکانات سیاست و قدرت به‌عنوان عامل اصلی سازنده ملیت تلقی می‌شود (میلر، ۱۳۸۳، ۴۰-۴۱). بدیهی است این رویکرد به تاریخ می‌تواند ابزار مناسبی برای سیاست باشد. شیوه باستان‌گرایی یا ملی دوره پهلوی اول تأکید بسیار بر فرهنگ پیش از اسلام می‌کرد (داعی‌پور، ۱۳۸۶، ۷۰). این نگرش غیرمنطقی، تسلیم‌پذیری و حقارت فرهنگی، با شیونیسیم^۳ ایرانی ترکیب شد. انتقال ناسیونالیسم احیاگرای اروپایی به ایران در کشف رماتیک تمدن ایران باستان سهم بسزایی داشت و در مورد دستاوردهای این تمدن راه مبالغه با چنان شتابی پیموده شد که تمییز واقعیت از افسانه ناممکن می‌نماید. داریوش شایگان، با نقد تحریف‌هایی که از سوی باستان‌گرایان در قلب واقعیت‌ها و معرفی اسلام به‌عنوان یک غیر صورت گرفته است، می‌نویسد:

«ناسیونالیست‌های جدید کشور ما که منکر اسلام و این جنبه از تاریخ ایران هستند و به سبب انزجار از هر آنچه اسلامی است، دست به‌سوی تاریخ باستان ایران دراز می‌کنند و به نوعی «اسطوره‌زدگی» دچار می‌شوند، به این نکته توجه ندارند که انکار اسلام انکار چهارده قرن تمدن و تفکر ایرانی است.» (شایگان، ۱۳۷۱، ۱۹۱).

به هر روی باستان‌گرایی در دوره پهلوی اول، از سویی، سعی در کم‌رنگ کردن و کنارزدن فرهنگ و مذهب کنونی جامعه به‌عنوان عامل عقب‌ماندگی آن داشت، و از سوی دیگر در پی تفکیک دو دوره اسلامی و ایران باستان بود.

• تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ و رویکردهای روشنفکرانه جدید

برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی دوره رضاخان در دوره سلطنت پسرش ادامه یافت، با این تفاوت که جامعه اندک‌اندک به‌سوی تغییری پیش می‌رفت که ایران را از شکل سنتی اولیه‌ای که داشت خارج می‌کرد و مهم‌ترین پیامد آن تشکیل قشر متوسط در دل جامعه بود. چنین طبقه‌ای براساس تقاضای روزافزون برای فن‌آگاهان و مدیران در سطوح گوناگون بخش‌های عمومی و خصوصی و گسترش سریع آموزش به شیوه غربی شکل گرفت (ازغندی، ۱۳۸۳).

عناصر تشکیل‌دهنده ملت مانند نژاد و زبان است و گاه موجب بزرگداشتی مبالغه‌آمیز و نژادپرستانه می‌شود (آشوری، ۱۳۸۴، ۳۱۹). ناسیونالیسم، برای ورود به برنامه‌های سیاسی و فرهنگی عملی، به مفاهیمی نظیر اصالت، تداوم، شأن و منزلت، تقدیر و سرنوشت، و علاقه به موطن نیاز دارد. این اصالت می‌بایست توسط مورخان، موسیقی‌دانان، باستان‌شناسان و هنرمندان اثبات شود (نظری، ۱۳۸۶، ۱۴۷). این دیدگاه در ایران پهلوی اول سعی در روگردانی ملت از زندگی سنتی و کم‌کردن ارزش‌های مذهبی داشت؛ هرچند این اهداف را نه در بیان شفاهی، بلکه در زیر پوشش‌هایی چون هنر و فرهنگ دنبال می‌کرد.

در این مقطع، نگرش دولت‌محور اساساً وحدت‌طلب و یکپارچه‌نگر بود و هدف غایی آن فراهم کردن چارچوبی نظری برای به وحدت رساندن جریان‌ها، گروه‌ها و دسته‌بندی‌های موجود در محدوده جغرافیایی تابع حکومت و دولت بود (همان، ۱۵۰). تلاش برای تقویت روحیه ملی‌گرایی در ایران ابعادی چندگانه داشت که مسئله «زبان» و وحدت زبانی جزئی از آن بود؛ اما این مفهوم نیز در ایران بیشتر کارکردی سیاسی و اجتماعی داشت تا «زبان‌شناسانه». همسو با این اقدام، در مدتی کوتاه، به شکلی اغراق‌آمیز کاربرد واژگان غیرپارسی از دایره واژگان زبانی ایران خارج شد. چیزی که آبراهامیان (۱۳۹۳) به‌طور مفصل به آن پرداخته است. به گفته وی، در مدتی کوتاه، سیاست نه‌تنها با ادبیات و تاریخ، بلکه با معماری و حتی پیکر درگذشتگان در هم تنیده شد.

• باستان‌گرایی، ابزاری برای تحقق ملی‌گرایی رضاخانی
ایدئولوژی ناسیونالیسم، با هدف جستجوی اصالت و دستیابی به نوعی منزلت از طریق تحول در سرنوشت تاریخی، چنین می‌پندارد که تاریخ در حاشیه قرار گرفته می‌بایست جای خود را به سرنوشت پرتحرکی دهد که در گذشته طلایی ملت قابل اکتشاف است تا این‌گونه، به تعبیر اسمیت (۱۳۸۳)، «کیش مردگان باشکوه» احیاء شود. این تعبیر و ادراک از تاریخ متناسب با ایده «ارنست رنان»^۴ است که در آن فراموش کردن و کنار گذاشتن بخشی از

یافتند که نه تنها با بناهای آرامگاهی پیشین فرق می‌کرد، بلکه هدفی غیرمذهبی را در پس خود داشت.

از آنجا که جایگاه یادمان‌های آرامگاهی در جامعه در فرهنگ هر جامعه‌ای ریشه دارد، این بناها از جمله بناهایی هستند که به دلیل چندکارکردی بودنشان، و همچنین پتانسیل بالایی که در انتقال معنا دارند، می‌توانند نقش خطیری در انتقال بصری تحولات جامعه داشته باشند و از همین رو، بیش از بناهای دیگر در هر دوران، آیینة تحولات اجتماعی و سیاسی هر جامعه‌اند. بخشی از این تأثیرپذیری به بستر شکل‌گیری این یادمان‌ها و دلایل ایجاد آن‌ها مربوط می‌شود و بخشی دیگر از آن را می‌توان در ساختار بناها مشاهده کرد. در این دوران، نگرش‌های مختلفی در زمینه هنر وجود داشت که بر روی شکل‌گیری یادمان‌ها تأثیر داشتند؛ در پی تحولاتی که رضاخان آن‌ها را از اصلی‌ترین دلایل شکل‌گیری «ایران نوین» می‌دانست، معماران خارجی در ایران حضور پیدا کردند. معماری یادمان‌های آرامگاهی نیز نتیجه این حضور است. «نیکولای مارکوف»^۴ و «آندره گدار»^۵ از جمله شاخص‌ترین این معماران بودند (مختاری طالقانی، ۱۳۹۰).

یکی دیگر از نتایج این تحولات شکل‌گیری «نجم آثار ملی»^۶ است که در دو دوره اقدام به طراحی و ساخت یادمان‌های آرامگاهی کرد. معماری، در دوره پهلوی دوم، از سویی اهداف ملی‌گرایانه رضاخانی را دنبال می‌کرد و از سویی دیگر، به مدد معماران ایرانی فرنگ‌رفته و همچنین معماران تحصیل‌کرده داخلی، اندکی از تعصب‌های سخت‌گیرانه دور شده بود و در جهت فراموشی معیارهای سنتی جامعه حرکت می‌کرد. در این میان عوامل متعددی دیگری نیز دخیل بودند که به یاری این پیشرفت آمدند: دانشکده‌های معماری، معماران ایرانی فارغ‌التحصیل از خارج و غیره. تأثیرات این عوامل را می‌توان در معماری این دوره، چه از نظر حجمی، فرم، تکنولوژی و استفاده از استعاره‌های معماری گذشته ایران با خیال خاص طراح در پروژه‌های سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷ ه.ش. ایران مشاهده کرد (ثبات‌ثانی، ۱۳۹۲، ۵۲). از سویی، این دوران اوج گرمی بازار «بومی‌گرایی» و «تاریخ‌گرایی» در محافل علمی کشور بود و عمدتاً از دو پدیده مهم حمایت می‌شد: نخست، محدودیت‌هایی که در زمینه فعالیت‌های سیاسی و آزادی بیان در ایران از اواسط ۱۳۴۰ ه.ش. به بعد وجود داشت سبب شده بود روشنفکرانی که جویای راه‌ها و شیوه‌های غیرمستقیم برای مخالفت با حکومت بودند نظرات خود را ابراز کنند؛ و دوم، موفقیت جنبش‌های جوامع جهان سوم در مقابله با قدرت‌های غربی انگیزه نیرومندی برای این گروه از روشنفکران در ادامه راه و اصرار بر گفتمان‌شان فراهم آورده بود (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۲۴۴). این گرایش‌ها در بومی‌گرایی آثار معماران مطرح آن دوران قابل مشاهده است. همچنین تمایل به تلفیق فرهنگ بومی با خصوصیات عصر مدرن در کالبد بنا افزایش یافت. در چنین بستری یادمان‌های آرامگاهی، به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق هرچه سریع‌تر آرمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه، بیان‌کننده تحولات فوق بودند.

شکل‌گیری این طبقه منجر به فعالیت‌های روشنفکرانه‌ای شد که نقشی اساسی در تحول فرهنگی و ساختار اجتماعی این دوره داشتند. جریان روشنفکری در این دوره، علاوه بر ادامه‌دادن راه روشنفکران دوره قبل که آرمان خود را در شبیه‌شدن به غرب می‌دیدند، از تعصب غرب‌گرایانه‌اش به میزان زیادی دست کشید و در قالب روشنفکران دینی نمود یافت.

به‌زعم شاه و متولیان حکومت و مشاوران او، شاهنشاه‌گرایی «آرمان ایرانیان» بود (حدیدی، ۱۳۷۷، ۱۰۵)؛ این آرمان به دست آنان با جنبه‌های ظاهری تجدد غرب ترکیب می‌شد و حاصل آن فرهنگی بود که «با مردم ایران چسبندگی نداشت» (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۷، ۵).

اقدامات فرهنگی شاه، از سویی، جنبه شخصی نیز گرفته بود، به‌طوری که او برای بزرگداشت مقام خود برجی در ورودی شهر تهران بنا نهاد که آن را برج «شهید» نامید که به معنای یادمان شاه آریامهر بود (آبراهامیان، ۱۳۹۴). این قبیل اتفاقات فرهنگی همواره در حال تأثیرگذاری بر معماری عصر خود بودند. از این رو زمینه فرهنگی مناسبی برای نوعی خاص از معماری به وجود آمد که قبلاً به این شکل وجود نداشت.

اقدامات دولتی در هر دوره از دوران پهلوی از تحولاتی نشئت می‌گرفت که ریشه در تحولات سیاسی ایران نوین داشت؛ این تحولات که در دوره پهلوی دوم بیشتر جنبه حزبی و انقلابی به خود گرفته بود، رفته‌رفته بر فرهنگ جامعه تأثیر عمیقی گذارد. معماری نیز جزء مهمی از همین تحولات بود. به‌طور کلی شاخص‌ترین جریان‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بر فرهنگ و هنر در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ در دسته‌بندی‌های جدول ۲ قابل مشاهده است.

• یادمان‌های آرامگاهی ایران معاصر

عبارت «یادمان آرامگاهی» به معنای بخشی از معماری معاصر است که به مفهومی جدید از بناهای آرامگاهی اشاره می‌کند که، علاوه بر آرامگاه، کارکردی یادمانی و بعضاً نمادین دارند. یادمان آرامگاهی در پژوهش‌های داخلی تعریف مبسوطی ندارد و بیشتر به بناهای آرامگاهی دوران مختلف اشاره دارد. در پژوهش‌های خارجی این عبارت به معنای بنای آرامگاهی است که فرمی یادمانی به خود گرفته و این تعریف اشاره به تمام بناهای آرامگاهی ادوار مختلف تاریخی دارد که با گذر زمان نقشی نشانه‌ای و نمادین پیدا کرده‌اند. براساس اسناد، معماری یادمان‌های آرامگاهی تا حد زیادی تعلق به شرق دارد تا غرب. نگاهی به فرهنگ‌های شرق تا غرب، بیانگر تأثیر غیر قابل انکاری است که مرگ بر آفرینش و توسعه معماری داشته است (Colvin, 1991, 134). به عبارتی، بنای یادمانی به ما اجازه می‌دهد که گذشته را ببینیم و برای تجسم آینده به ما کمک می‌کند (Cole & Reed, 1997, 16). روند تحول یادمان‌های آرامگاهی در ایران تا دوره پهلوی تأکید بسیاری بر جنبه‌های مذهبی داشت؛ اما این یادمان‌ها از دوره پهلوی به بعد کاربری جدیدی

جدول ۲. شاخص‌ترین جریان‌های تأثیرگذار بر فرهنگ جامعه. مأخذ: نگارندگان، براساس تحلیل منابع.

دوره	جریان	تحولات ناشی از جریان	تأثیرگذاری بر فرهنگ و هنر	منابع
۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰	غرب‌گرایی	ایجاد ارتش منظم	نظامی‌گرایی در هنر و فرهنگ، اداره شهرها توسط نظامیان	آبراهامیان (۱۳۹۳)
		برنامه آموزشی منسجم	ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها به سبک فرانسه	آبراهامیان (۱۳۹۴) تکمیل همایون (۱۳۸۵)
		توسعه شهری	کاربری‌های جدید فرهنگی در سطح شهر مانند موزه‌ها و ادارات دولتی، نصب تندیس‌های مشاهیر و شاه در سطح شهر	آبراهامیان (۱۳۹۴) اتابکی (۱۳۸۵)
		سنت‌ستیزی	فعالیت‌های فرهنگی به سبک غرب، حضور زنان در مجامع فرهنگی	آبراهامیان (۱۳۹۴) آل‌احمد (۱۳۵۷)
		کشف حجاب	تلاش برای ایجاد تصویر جامعه غربی	آبراهامیان (۱۳۹۳) ساناساریان (۱۳۸۴)
		فعالیت‌های روشنفکران نسل دوم	ترویج سبک زندگی غربی و انتشار نشریات و کتب در این زمینه	آل‌احمد (۱۳۵۷) آبراهامیان (۱۳۹۴)
۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰	وحدت‌طلبی	نظام زبانی واحد	معرفی زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی، استفاده اغراق‌آمیز کلمات فارسی و حذف کلمات غیرفارسی، تغییر نام کشور به ایران	آبراهامیان (۱۳۹۴) بهار (۱۳۷۱)
		نظام پولی واحد	شکل‌گیری بانک‌ها و افزایش پنجاه‌درصدی بهای کالاها	اتابکی (۱۳۸۵)
		وحدت قومی	شکل‌گیری شهرها و استان‌ها و تلاش قومیت‌ها برای ترویج فرهنگ ملی	آبراهامیان (۱۳۹۳) آبراهامیان (۱۳۹۴)
		وحدت در لباس	فعالیت هنری در زمینه تولید لباس به شیوه غربی، انتشار مجلات مد	آبراهامیان (۱۳۹۴)
۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰	ملی‌گرایی رستاخیزی	مذهب‌ستیزی	کنترل کتب مذهبی توسط وزارت فرهنگ، ترویج فرهنگ پیش از اسلام، ترویج مشاهیر ملی در قالب هنر و معماری	آل‌احمد (۱۳۶۵)
		انتشار گاه‌شمار خورشیدی	احیای مراسم نوروز باستانی	آبراهامیان (۱۳۹۴)
		ایجاد آگاهی ملی	تأسیس فرهنگستان با الگوبرداری از آکادمی فرانسه، انجمن آثار ملی و سازمان پرورش افکار	آبراهامیان (۱۳۹۳) کاتم (۱۳۷۱)
		تأسیس «رادیو تهران» (۱۳۱۹)	انتشار و در دسترس قراردادن گسترده اطلاعات و ترویج فرهنگ غربی، انتشار گسترده اخبار	آبراهامیان (۱۳۹۳)
۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰	باستانی‌گرایی	احیای ایران قبل از اسلام	ترویج نقش‌مایه‌ها و نمادهای پیش از اسلام در هنر	آبراهامیان (۱۳۹۴)
		ترویج بازگشت به خویشتن باستانی	معرفی دوران پیش از اسلام به‌عنوان دوران ارزشمند فرهنگی ایران	آبراهامیان (۱۳۹۳) همایون کاتوزیان (۱۳۸۵)
۱۳۶۰ تا ۱۳۵۷	ملی‌گرایی	پایان جنگ جهانی دوم	دور دوم فعالیت انجمن آثار ملی و ساخت بیشتر از بیست بنای یادمانی برای معرفی مشاهیر و احداث موزه‌ها	بحرالعلومی (۱۳۵۵)
		تشکیل حزب توده	غلبه بر فرقه‌گرایی و ترویج میهن‌پرستی با بازگشت به گذشته	آبراهامیان (۱۳۹۳؛ ۱۳۹۴) کاتم (۱۳۷۱)
		ملی‌شدن صنعت نفت (۱۳۲۹)	آغاز افزایش درآمدهای نفتی و برگزاری مراسم چون جشن‌های ۲۵۰۰ ساله	آبراهامیان (۱۳۹۳) امین (۱۳۸۳)
		فعالیت‌های روشنفکران نسل سوم	بازگشت دیدگاه‌های مذهبی به فرهنگ، هنر و ادبیات و ساخت فیلم	آبراهامیان (۱۳۹۳) ازغندی (۱۳۸۳)
		انقلاب سفید (۱۳۴۱)	بالارفتن شمار مدارس و مراکز آموزشی، اعزام دانشجویان به خارج از کشور، ایجاد طبقه متوسط اجتماعی، دادن حق رأی به زنان، تشکیل «سپاه دانش»	آبراهامیان (۱۳۹۳)
		حزب رستاخیز (۱۳۵۳)	تلاش دولت برای تسلط بر فعالیت‌های مذهبی	آبراهامیان (۱۳۹۳)

بحث

• انتخاب نمونه‌ها

تمامی یادمان‌های آرامگاهی ایران معاصر زیر نظر و به سفارش «انجمن آثار ملی» طراحی و ساخته شده‌اند. این انجمن در دوره فعالیت خود در حدود ۳۰ یادمان آرامگاهی طراحی و یا مرمت کرده است^۷ (جدول ۳) که نمونه‌های موردی این پژوهش نیز از میان این موارد انتخاب می‌شوند. معیار انتخاب این نمونه‌ها پراکندگی جغرافیایی، پراکندگی در دوره زمانی مورد نظر پژوهش، در دسترس بودن اسناد و مدارک و موجود بودن منابع معتبر برای بررسی زمینه طراحی و ساخت این بناهاست.

از میان این بناها هشت مورد به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه انتخاب شدند که از جمله شاخص‌ترین این نمونه‌ها هستند. این بناها، به‌فراخور تفاوتشان در جنبه‌ها و عوامل مختلف، قابل تحلیل و بررسی هستند. در این مسیر، اولین اقدام برای بررسی یافته‌های پژوهش، معرفی نمونه‌ها و استخراج اطلاعات لازم در مورد آن‌ها از منابع مختلف است. در جدول ۴ هر کدام از این نمونه‌ها به‌صورت مجزا معرفی شده‌اند.

• تحلیل یافته‌ها

براساس جدول ۴، یادمان‌های آرامگاهی میان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ تفاوت‌هایی دارند که به نظر می‌رسد تا حد زیادی ناشی از بستر سیاسی و اجتماعی دوران خود است. بررسی مختصر تحولات مربوط به این دوران می‌تواند در پاسخگویی به سؤالات تحقیق مؤثر باشد. اولین عامل ساخت یادمان‌های آرامگاهی بستر اجتماعی ایجادشده در این سال‌ها و تمایل به تغییر نگرش جامعه در مورد ارزش‌های فرهنگی است؛ خود این عامل براساس هدفی سیاسی شکل گرفته بود.

همان‌گونه که بیان شد، دولت پهلوی در پی تغییری ظاهری و شکلی بود نه محتوایی؛ بنابراین اقداماتی برای هماهنگ‌سازی ظاهری ساختار شهری ایران صورت گرفت که آل‌احمد (۱۳۶۵) آن را «شبه‌مدرنیسم» می‌داند.

رضاخان سعی داشت هرچه زودتر چهره ایران را غربی کند؛ بنابراین، از اولین اقدامات او در پی این هدف، احداث راه‌آهن در سال ۱۳۰۶ ه.ش. بود که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل حضور تحصیل‌کرده‌های غربی در ایران و تحول بنیادی نهادهای مختلف جامعه به‌تبع تأثیرگذاری این افراد بود.

تأثیر این تحولات سیاسی رضاخانی را، که نظامی‌گرایی و باستانی‌گرایی او بخش مهمی از آن‌هاست، می‌توان در اقدام برای تغییر چهره ایران با تمرکز بر تغییر نگرش ایرانیان نسبت به کاریزماهای^۸ ذهنی آن‌ها دانست. جامعه‌ای که تا آن زمان رویکردهای مذهبی عمیقی داشت، برای تسریع در مدرن‌شدن، باید دیدگاه ذهنی خود را تغییر می‌داد و این امر تنها زمانی می‌توانست به‌سرعت محقق شود که روی مؤلفه‌های بصری و دیداری تمرکز کند. از این رو، یکی از اولین نهادها برای نیل به

این هدف با عنوان «انجمن آثار ملی ایران» شکل گرفت. مقصود از تأسیس این نهاد تغییر ریشه‌های فرهنگی ایران بود، چنانکه هم به غرب نزدیک باشد و هم دیدگاه‌های سنتی و دینی را نفی کند؛ بنابراین ترکیبی از این نگرش‌ها موجب ایجاد رویکردی جدید در معماری شد که به ایجاد «یادمان‌های آرامگاهی» انجامید. تأثیر رویکردهای رضاخانی بر این نوع کاربری‌ها در یادمان آرامگاهی فردوسی قابل مشاهده است که خود برای برگزاری مراسم «هزاره فردوسی»^۹ بنا نهاده شده بود. اگرچه درخواست برای ساخت چنین بنایی خواست مستقیم رضاخان نبود، اما به‌وضوح می‌توان تأثیر رویکردهای او در ایجاد تغییر بنیادی در ساختار فرهنگی را در ایجاد آن مشاهده کرد. شاپور شهبازی می‌نویسد: محمدتقی بهار چندین نامه درباره چنین نیازی نوشت و از رضاخان درخواست کرد که ملی‌گرایی خود را با ساخت آرامگاه نشان دهد. او نوشت: «در غیر این صورت، ما مردمان خراسان خود این کار را انجام خواهیم داد». بر این اساس، اولین اقدام انجمن آثار ملی ساخت آرامگاهی برای شخصی فرهنگی بود که بیشتر از هر چیزی به پارتی‌گرایی و ملی‌گرایی شهره بود (Shahpur Shahbazi, 1999). این اقدام انجمن را می‌توان نه‌تنها اقدامی سیاسی دانست، بلکه می‌توان آن را آغاز تحول جدیدی در ایران دانست که سعی بر پررنگ کردن و دگرگونی ریشه‌های فرهنگی ایران داشت. بخشی از این تحولات از تحولات جهانی نشئت می‌گرفت. تصویر ۲ هم‌زمانی تحولات جهانی با تحولات ایران را نشان می‌دهد.

از جمله این موارد، تأثیرپذیری رضاخان از «آتاتورک» و ملی‌گرایی اوست (آبراهامیان، ۱۳۹۴). به باور برخی پژوهشگران، اقدامات سیاسی رضاخان و آتاتورک هر دو در غرب‌گرایی و نحوه برخورد با نوسازی شباهت زیادی داشتند (نساج، ۱۳۹۲). مورد دیگر، قدرت‌گرفتن آلمان نازی بود که تا مدتی به دلیل منافع خود به عناوین مختلف با ایران ارتباط خوبی برقرار کرد و بخشی از آن مربوط به اقدامات نوسازی می‌شد (رحمانی، ۱۳۸۴).

شبه‌مدرنیسم در ایران در بناهای آرامگاهی نیز تأثیر گذارد؛ بنابراین گرایش به استفاده از نقش‌مایه‌های ایران پیش از اسلام (همسو با نئوکلاسیک غربی) در یادمان آرامگاهی فردوسی نیز نمود پیدا کرد. گرچه ایجاد یادمان آرامگاهی مشاهیر ماهیتا هدفی سیاسی داشت و کارکردی به حساب می‌آمد، اما پرواضح است که معماری آن از رویکردهای رایج معماری دوران تأثیر پذیرفته بود، که البته خود این رویکردها نیز ریشه‌های سیاسی و اجتماعی داشتند.

حضور معماران خارجی و فعالیت آن‌ها برای تحول ساختار فرهنگی زمینه‌ای فراهم کرد تا اشخاصی چون آندره گدار فرانسوی، با تسلط کامل بر فرهنگ ایرانی، بنایی یادمانی چون حافظیه را با الهام‌گیری از عناصر معماری عهد زندیه طراحی کنند. نهضت مقاومت ملی فرانسه در جنگ جهانی دوم وی را به‌عنوان نماینده خود در ایران برگزید. در این مدت، گدار دست به چاپ نشریه‌ای به نام «فرانسه آزاد» در تهران زد. از این رو شرایط سیاسی و اجتماعی

بستر سیاسی و اجتماعی یادمان‌های آرامگاهی دوره دوم فعالیت‌های انجمن آثار ملی به ایجاد بناهایی با همان اهداف دوره اول منجر شد، با این تفاوت که در این دوره ردپای تحولات سیاسی و اجتماعی به میزانی کمتر و غیرمستقیم‌تر قابل مشاهده است. دولت پهلوی دوم، برای تثبیت جایگاهش

ایران فضای مناسبی را برای گذار فراهم کرد تا فعالیت‌های فرهنگی خود را انجام دهد (کیانی، ۱۳۸۳، ۵۵). علاوه بر این‌ها، گذار در این بنا به‌غایت از معناگرایی استفاده کرده است که خود بار دیگر تأکیدی بر فراهم‌بودن شرایط کسب دانش برای مستشرقین اروپایی در ایران است.

جدول ۳. یادمان‌های آرامگاهی طراحی و مرمت‌شده توسط انجمن آثار ملی و شهرهای محل قرارگیری آن‌ها. مأخذ: نگارندگان، براساس اسناد موجود (گزارش‌های انجمن آثار ملی).

ردیف	نام یادمان آرامگاهی	نام معمار	نوع اقدام	سال	شهر
۱	فردوسی	کریم طاهرزاده بهزاد	طراحی و ساخت	۱۳۱۳	طوس، مشهد
۲	ابن سینا	هوشنگ سیحون	طراحی و ساخت	۱۳۳۰	همدان
۳	سعدی	محسن فروغی	طراحی و ساخت	۱۳۳۰	شیراز
۴	نادرشاه	هوشنگ سیحون	طراحی و ساخت	۱۳۴۲	مشهد
۵	عمر خیام	هوشنگ سیحون	طراحی و ساخت	۱۳۴۲	نیشابور
۶	شیخ عطار نیشابوری	-	مرمت	۱۳۴۲	نیشابور
۷	کمال‌الملک	هوشنگ سیحون	طراحی و ساخت	۱۳۴۲	نیشابور
۸	امامزاده محروق	-	مرمت	۱۳۴۲	نیشابور
۹	پروفسور پوپ	محسن فروغی	طراحی و ساخت	۱۳۵۴	اصفهان
۱۰	باباطاهر	محسن فروغی	طراحی و ساخت	۱۳۴۴	همدان
۱۱	روبهان بقلی	-	مرمت	۱۳۵۱	شیراز
۱۲	شاه شجاع	علی سامی	طراحی و ساخت	۱۳۳۸	شیراز
۱۳	سیبویه	-	طراحی و ساخت	۱۳۵۳	شیراز
۱۴	شیخ ابوالحسن خرقانی	-	طراحی و ساخت	-	شاهرود، سمنان
۱۵	خواجوی کرمانی	-	طراحی و ساخت	۱۳۳۷	شیراز
۱۶	ابن یمین	-	طراحی و ساخت	-	شاهرود، سمنان
۱۷	واعظ کاشفی	احمد فرح‌بخش	طراحی و ساخت	۱۳۵۶	سبزوار، خراسان
۱۸	ابوالحسن بیهقی	حسین جودت	طراحی و ساخت	۱۳۵۳	سبزوار، خراسان
۱۹	شاه داعی	-	-	-	شیراز
۲۰	شیخ کبیر (ابن خفیف)	-	طراحی و ساخت	۱۳۴۵	شیراز
۲۱	احمد نیریزی	-	طراحی و ساخت	-	نیریز، فارس
۲۲	حاج ملاهادی سبزواری	-	مرمت	۱۳۴۰	سبزوار، فارس
۲۳	نزاری قهستانی	حسین جودت	طراحی و ساخت	۱۳۵۳	بیرجند
۲۴	شیخ هادی بیرجندی	-	-	-	بیرجند
۲۵	ضیاءالدین آرتیمانی	حسین جودت و هادی کهزادی	طراحی و ساخت	۱۳۵۴	تویسرکان
۲۶	اوحدی مراغه‌ای	حسین جودت	طراحی و ساخت	۱۳۵۶	مراغه
۲۷	شیخ ابواسحاق کازرونی	-	-	-	کازرون
۲۸	کمال‌الدین اسماعیل	-	طراحی و ساخت	-	اصفهان
۲۹	مقبره‌الشعرا	غلام‌رضا فرزانه مهر	طراحی و ساخت	۱۳۵۶	تبریز
۳۰	ادیب‌الممالک فراهانی	-	طراحی و ساخت	-	شهرری
۳۱	سیدجمال‌الدین اصفهانی	-	مرمت	-	بروجرد

جدول ۴. نمونه‌های انتخاب‌شده از میان یادمان‌های آرامگاهی معاصر. مأخذ: نگارندگان، براساس منابع موجود و مشاهدات میدانی.

نام و سال	معمار	تصویر	ویژگی‌ها
آرامگاه فردوسی، ۱۳۱۳	کریم طاهرزاده بهزاد هوشنگ سیحون		بهره‌گیری از طرح آرامگاه کوروش در پاسارگاد، قرینگی در پلان و نما، بهره‌گیری از عناصر معماری پیش از اسلام (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸) و (مشاهدات میدانی) ابعاد: ۱۸×۱۸×۱۸ بر روی سکویی با ابعاد ۴۰×۴۰: حدود ۱۱ برابر تناسب انسانی مصالح: مرمر صیقل در بخش‌های بیرونی و بتن اکسپوز در برخی از قسمت‌های داخلی عملکرد: آرامگاه، یادمان و موزه
آرامگاه حافظ شیرازی، ۱۳۱۵	آندره گدار		استفاده بسیار از عناصر نمادین ایرانی، استفاده از اعداد نمادین ایرانی، بهره‌گیری از عناصر معماری زنده، بهره‌گیری نمادین از اشعار حافظ (دانیل و تاجدار، ۱۳۹۵) و (مشاهدات میدانی) ابعاد: شعاع کلاه‌فرنگی ۴ متر، ارتفاع ستون‌ها ۶ متر مصالح: سنتی با پوشش مس عملکرد: آرامگاه، یادمان و موزه
آرامگاه سعدی، ۱۳۳۰	محسن فروغی		الهام از عناصر معماری سنتی ایران، اقتباس از بنای آرامگاه رضاخان (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸) ابعاد: ۲۱۶ متر زیربنا با ارتفاع تقریبی ۱۰ متر مصالح: ستون‌ها و جلوی ایوان سنگ گرانیت قرمز، نمای خارجی تراورتن و داخلی سنگ مرمر عملکرد: آرامگاه، فرهنگی و موزه، یادمان
آرامگاه بوعلی سینا، ۱۳۳۰	هوشنگ سیحون		تلفیقی از دو سبک معماری ایران باستان و ایران بعد از اسلام، استفاده از اشکال هندسی و نمادین، بهره‌گیری از اعداد نمادین مربوط به شخصیت بوعلی سینا (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸) و (مشاهدات میدانی) ابعاد: ۲۸/۵×۲۸/۵ ابعاد مربع زمینه برج، مساحت اصلی مقبره ۱۳۲/۵ مترمربع و ارتفاع برج ۲۳ متر بر شعاع ۵ متری. مصالح: بتن مسلح عملکرد: آرامگاه، یادمان و موزه
آرامگاه نادرشاه افشار، ۱۳۴۲	هوشنگ سیحون		بهره‌گیری نمادین از اشکال هندسی، استفاده معناگرایانه از رنگ‌ها و مصالح، شیوه معماری پروتالیسم، استفاده از تندیس در نما (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸) و (مشاهدات میدانی) ابعاد: حدود ۵ متر ارتفاع و در قسمت تندیس حدود ۱۲ متر مصالح: سنگ‌های گرانیت «کوه‌سنگی» مشهد، بتن مسلح و پوشش داخلی سنگ‌های مرمر اخرایی عملکرد: آرامگاه، یادمان و موزه
آرامگاه چیم، ۱۳۴۲	هوشنگ سیحون		استفاده زیاد از عناصر مفهومی، بهره‌گیری از ویژگی‌های شخصیتهای خیام، استفاده از اعداد نمادین و سمبولیک، استفاده از اشکال نمادین (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸) و (مشاهدات میدانی) ابعاد: ۲۲ متر ارتفاع و ۱۸ متر عرض مصالح: ساختار از بتن مسلح، مرمر و کاشی و در قسمت زمینه بتن اکسپوز عملکرد: یادمان
آرامگاه کمال‌الملک، ۱۳۴۲	هوشنگ سیحون		بهره‌گیری از ویژگی‌های معماری ایرانی، استفاده از رنگ‌های کاشی ایرانی با توجه به زادگاه کمال‌الملک (کاشان)، استفاده از تناسب هندسی، بهره‌گیری از زمینه چهارطاقی (مشاهدات میدانی) ابعاد: ۲۸ متر زیربنا و ارتفاع حدود ۵ متر مصالح: بتن مسلح با پوشش کاشی عملکرد: آرامگاه، یادمان
آرامگاه اوجدی مرآت‌های، ۱۳۵۲	حسین جودت		قرینگی در نما و پلان، بهره‌گیری از عناصر معماری ایران پیش و بعد از اسلام، استفاده از اصول معماری مدرنیستی، بهره‌گیری از اعداد و اشکال نمادین (مشاهدات میدانی) ابعاد: روی سکویی به ابعاد ۶×۶ و با ارتفاع حدود ۸ متر مصالح: بتن مسلح عملکرد: آرامگاه و یادمان

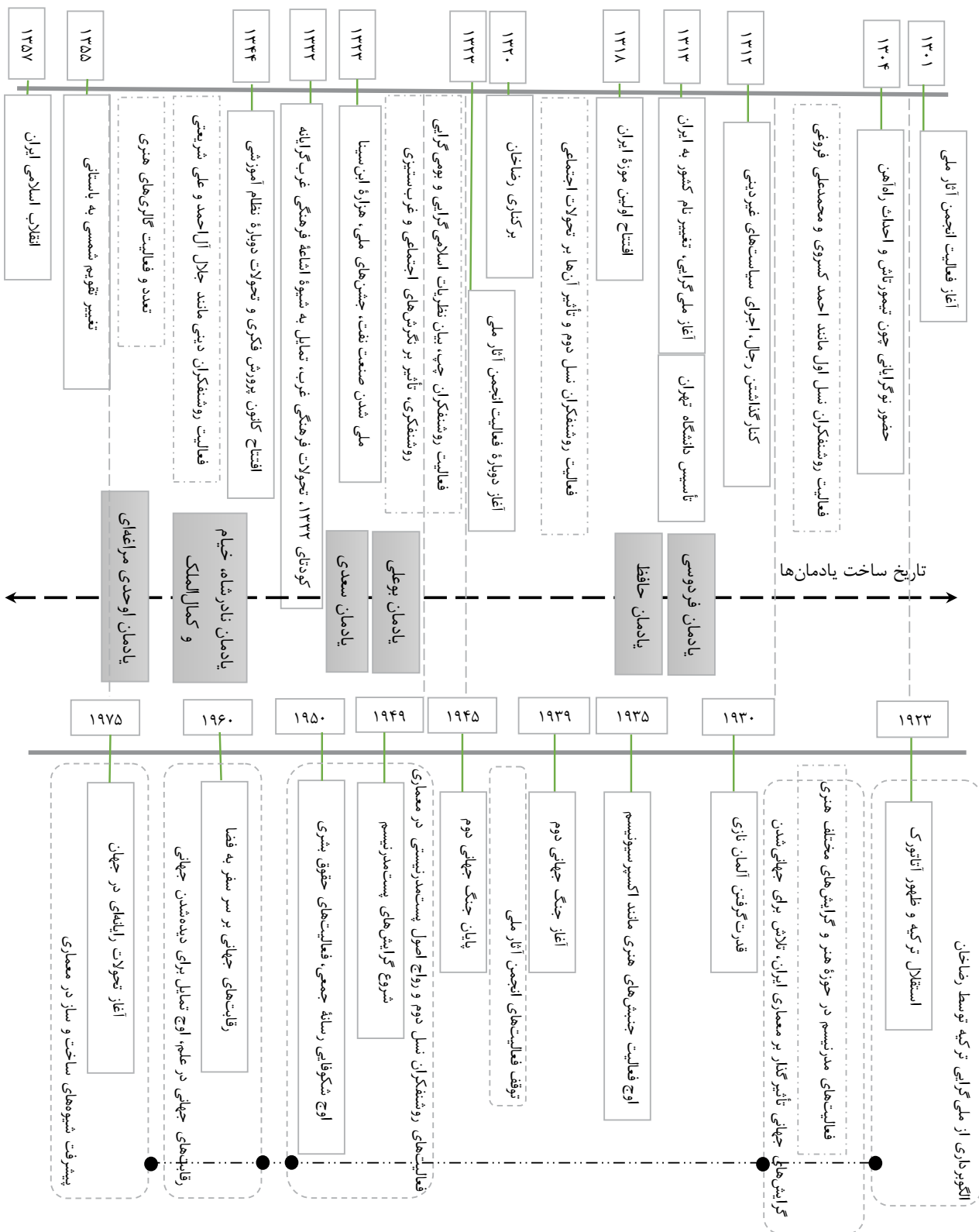
به‌عنوان شکل‌دهنده ایران نو، نیاز به تقویت پایه‌های فرهنگی خود داشت. براساس اسناد موجود انجمن آثار ملی، «علی‌اصغر حکمت» که پیش‌تر برای ساخت آرامگاه حافظ تلاش بسیاری کرده بود، در تاریخ سوم فروردین سال ۱۳۲۷ ه.ش، «اشرف پهلوی» را برای بازدید از مجموعه آرامگاهی سعدیه با خود می‌برد؛ اقدامی که پیش‌تر از سوی نزدیکان حکومت رخ نداده بود و خود زمینه ساخت یادمان سعدی را فراهم کرد. حکمت شیرازی (۱۳۷۹) در خاطرات خود می‌نویسد، برای مراسم افتتاح این بنا، محمدرضا پهلوی در سالگرد تاج‌گذاری‌اش برای اولین بار در آن مکان حضور پیدا کرد. طراح این بنا، «محسن فروغی»، که تحصیل‌کرده پاریس بود، در بنای آرامگاه سعدی از نقش‌مایه‌های ایرانی و اسلامی چون کاشی‌کاری استفاده کرده است، اما فرم مجموعه به‌وضوح تأکید بر فرم‌های مدرنیستی دارد که تأثیرپذیری او از تحولات جامعه جهانی را نشان می‌دهد. در این بنا، او به‌وضوح تحت تأثیر آرامگاه رضاخان است و اصول مدرنیستی یکسانی را به کار گرفته است.

فعالیت دور دوم انجمن آثار ملی از تحولات جهانی تأثیر بیشتری گرفت. شروع دوره جدید یادمان‌های آرامگاهی ایران مصادف با آغاز معماری مدرنیستی اروپایی با ماده جدیدی به نام بتن مسلح بود. با استناد به این گفته بانی مسعود (۱۳۸۸) که معتقد است شروع مدرنیزاسیون در ایران را باید از طریق شروع مدرنیزاسیون در اروپا بررسی کنیم، می‌توان گفت معماری یادمان‌های آرامگاهی توسط معماران تحصیل‌کرده در اروپا، اگرچه در ایدئولوژی تا حدود زیادی با دوران قبلی شباهت داشت، اما با تحولات جامعه جهانی هماهنگ‌تر بود.

«هوشنگ سیحون» به‌عنوان پرکارترین معمار در زمینه یادمان‌های آرامگاهی شناخته می‌شود. او یادمان ابن‌سینا را به‌عنوان پایان‌نامه خود در فرانسه ارائه کرد. آنچه در این بنا مشاهده می‌شود، چرخشی چند درجه‌ای در رویکرد معماری آرامگاهی است که ریشه‌ای عمیق در تحولات جامعه جهانی دارد، و همچنین مؤید این نکته است که باستانی‌گرایی‌ای که رضاخان به‌شدت بر آن تأکید داشت جای خود را به استفاده از عناصر ملی معماری ایرانی، چه‌بسا بعد از اسلام، داده است. سیحون در این بنا هم سعی در ارائه معماری مدرن داشت و هم، به شکلی هر چه تمام‌تر، از تکنولوژی و مصالح مدرن رایج در دنیا و همچنین فرم‌های مدرنیستی استفاده کرد. او بارها تأکید کرده است که آندره گدار او را با معماری ایرانی آشنا کرده است (قاری‌پور، ۱۳۸۴، ۱۳۱)؛ اما زمینه‌ساز شکل‌گیری این بنا نیز اقدامی فرهنگی با عنوان جشن «هزاره ابن‌سینا»^۱ بود. یادمان آرامگاهی ابن‌سینا به مناسبت این مراسم ساخته شد؛ بنابراین این بنا نیز براساس اتفاق فرهنگی مهمی برای شناساندن ایران و فرهنگ ایرانی به دنیا شکل گرفت.

روشنفکران دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ه.ش. رویکردی نسبتاً متفاوت

با نسل قبل از خود داشتند؛ دغدغه آن‌ها گونه‌ای گرایش به بوم‌گرایی فرهنگی بود. تحولات هنری و معماری و در کل تحولات اجتماعی ناشی از رویکردهای رضاخانی در دوره دوم پهلوی این پیام را به روشنفکران منتقل کرد که گرایش کامل به‌سمت غرب حاصلی جز ظاهری نامتجانس با فرهنگ ایرانی ندارد. اسلامی ندوشن (۱۳۵۷، ۵) بیان می‌کند که پیش‌تر حکومت‌گران تقابل با دین را در دستور کار خود قرار داده و باعث ایجاد تضاد میان جامعه و حکومت شده بودند. در این میان بود که روشنفکرانی چون «جلال آل‌احمد» و «داریوش شایگان» اظهاراتی مبنی بر رویکرد جدید به فرهنگ مطرح کردند. آن‌ها مدرنیسم را زمانی صحیح و کارآمد می‌دانستند که منطبق بر معیارهای بومی‌گرایی باشد، رویکردی که در آثار سیحون در سال‌های ۱۳۴۰ به بعد نیز قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد دور بعدی فعالیت‌های هوشنگ سیحون در طراحی یادمان‌های آرامگاهی تحت تأثیر همین جریانات روشنفکری قرار داشت که اسلام را بخشی جدانشدنی از تاریخ ایران می‌دانستند. در این بستر، آرامگاه خیام و کمال‌الملک در نیشابور، که با فاصله زمانی بسیار کمی ساخته شدند، علاوه بر بهره‌گیری از مصالح مدرن، هر دو از نماد و نشانه‌های معماری ایرانی و اسلامی هم استفاده کرده‌اند. در بنای آرامگاهی کمال‌الملک، سیحون از زمینه‌ای ایرانی (پیمون) برای ساخت بنا استفاده کرده، و برای تزئینات آن از کاشی‌کاری بهره برده است. علاوه بر این، هرچه بیشتر از ویژگی‌های شخصیت‌های یادمان‌ها در طراحی استفاده کرده، چیزی که به‌ویژه در یادمان‌های نادرشاه افشار و خیام مشهود است. از سویی، اگر به هم‌زمانی و تاریخ ساخت این دو بنا (یادمان کمال‌الملک و خیام) دقت کنیم، می‌بینیم که این دوران در اروپا سال‌های آغازین مطرح‌شدن نظریه‌های پست‌مدرن است. اگرچه سیحون از اندیشه‌های پست‌مدرن خود سخن نگفته و همواره اصول معماری مدرن را در پیش گرفته است، اما می‌توان تحولات جامعه پست‌مدرن، مخصوصاً پست‌مدرنیسم در معماری، را در آثار یادمانی او مشاهده کرد. مؤید این واقعیت بیشتر شدن تزئینات و توجه به بومی‌گرایی در آثار یادمانی متأخرش است. البته می‌توان سیحون را همواره وفادار به اصول مدرنیستی معماری نیز دانست؛ او در بنای یادمانی نادرشاه از بتن نمایان برای انتقال معنا و مفهوم شخصیتی نادرشاه استفاده کرده است. یادمان اوحدی مراغه‌ای، به‌عنوان مؤخرترین نمونه از میان نمونه‌های موردی، سبکی متفاوت از دیگر بناها دارد. این بنا که به نظر می‌رسد طبق اصول مدرنیستی طراحی شده، گرچه با مصالح مدرن ساخته شده اما دارای عناصر معماری اسلامی است. این بنا نسبت به دیگر بناها بسیار مینیمالیستی است؛ گرچه استفاده از اشکال و اعداد نمادین در آن در قالبی مدرن به چشم می‌خورد. بنابراین به نظر می‌رسد معماری بناهای یادمانی هرچه در این دوره پیش‌تر می‌رود، کمتر از تحولات سیاسی و



تأثیر تحولات جهانی بر تحولات اجتماعی و سیاسی ایران

تصویر ۲. بررسی تاریخ ساخت یادمان‌های آرامگاهی براساس تحولات ایران معاصر و تحولات جهانی مؤثر بر ایران. مأخذ: نگارندگان.

ابتدایی در شکل‌گیری این بناها عبارت است از تلاش برای تغییر کاریزماهای اجتماعی، و بهره‌گیری از مشاهیر ادبی و ملی برای تحقق ملی‌گرایی و ابراز جهانی در برابر دنیای غرب؛ این خود باعث تمرکز بیشتر بر روی ساخت این بناها شد. تلاش برای تغییر ساختار شهری دیگر عامل مهم شکل‌گیری این بناها بود که می‌توان آن را عاملی ثانویه در این روند دانست.

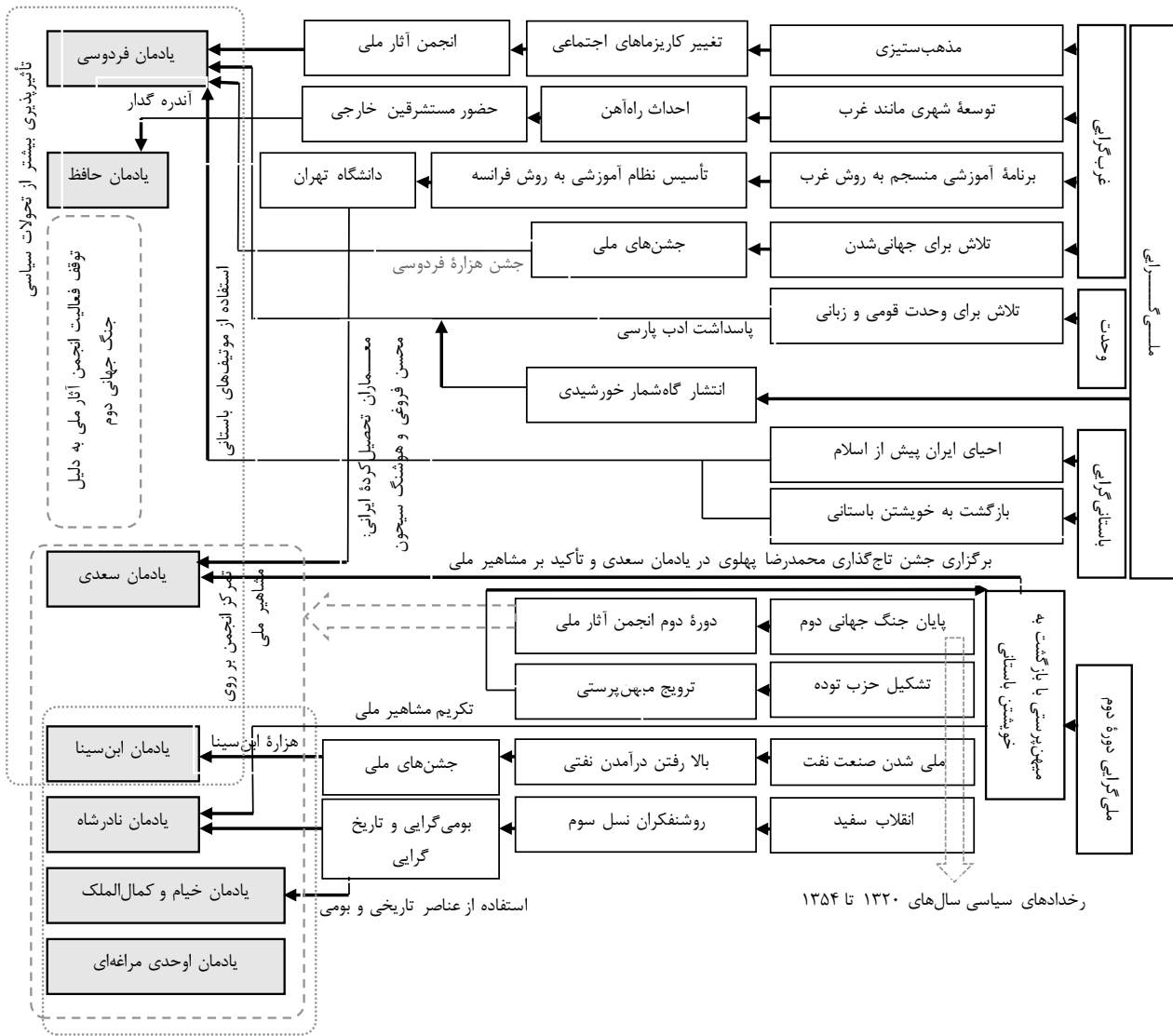
بنابراین در پاسخ به سؤال اول پژوهش، در تصویر ۲، عواملی که بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی داشته‌اند ذکر شد؛ با بررسی منابع و اسناد موجود دریافت می‌شود که این تأثیرات در دوره اول پهلوی بی‌واسطه‌تر بوده، و عوامل سیاسی‌ای همچون ملی‌گرایی، میل به ایجاد وحدت ملی، سعی

اجتماعی اثر می‌پذیرد و بیشتر رو به سوی رویکردهای هنری جهانی و نظرات شخصی معماران دارد.

تصویر ۳ بیان‌کننده عوامل مختلف تأثیرگذار بر شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی است. بدیهی است نمی‌توان تأثیر تحولات جهانی را بر روی این فرایند نادیده گرفت.

نتیجه‌گیری

تأثیر جریان‌های سیاسی و اجتماعی بر شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی در دوران مختلف، با واسطه و بدون واسطه، به شکل‌های گوناگون بروز پیدا کرده است. براساس دسته‌بندی‌های کلی جریان‌های سیاسی و اجتماعی دو دوره پهلوی، عامل زمینه‌ای



تأثیرپذیری بیشتر از فرهنگ، تحولات جهانی و رویکردهای شخصی معماران

تصویر ۳. مدل مفهومی تبیین تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی بر روند شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی ایران معاصر. مأخذ: نگارندگان.

ممتاز و منحصر به فردی است که مورد پسند و ستایش تعداد زیادی از دیگر انسان‌هاست؛ جاذبه‌ای انفرادی (فردی) که اثری اجتماعی (جمعی) دارد.

۹. «هزاره فردوسی» نخستین اجتماع بزرگ علمی در ایران بود که در سال ۱۳۱۳ ه.ش. واقع شد و بخشی از آن در طوس و در آرامگاه فردوسی برگزار شد (یاحقی، ۱۳۷۳).

۱۰. «هزاره ابن‌سینا» عنوان جشنی علمی بود که در سال ۱۳۳۳ ه.ش. برگزار شد (عاقلی، ۱۳۸۷). در این کنگره ده‌ها مستشرق و ایران‌شناس حضور داشتند و می‌توان این کنگره را، بعد از هزاره فردوسی، دومین همایش مهم در تاریخ معاصر ایران دانست.

فهرست منابع

- آبراهامیان، ارواند. (۱۳۹۳). *تاریخ ایران نوین* (ترجمه شهریار خواجهیان). تهران: دات.
- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۹۴). *ایران بین دو انقلاب* (ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی). تهران: نی.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۴). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید.
- آل‌احمد، جلال. (۱۳۵۷). *در خدمت و خیانت روشنفکران* (ج. ۲). تهران: خوارزمی.
- آل‌احمد، جلال. (۱۳۶۵). *غرب‌زدگی*. تهران: امیرکبیر.
- اتابکی، تورج. (۱۳۸۵). *تجدد آمرانه* (ترجمه مهدی حقیقت‌خواه). تهران: ققنوس.
- ازغندی، سید علی‌رضا. (۱۳۸۳). *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*. تهران: سمت.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۵۷). *بر ایران چه گذشت (۳): اداره ایران با فرهنگ غیرایرانی*. *روزنامه اطلاعات*، (۱۵۷۷۱).
- اسمیت، آنتونی د. (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ* (ترجمه منصور انصاری). تهران: تمدن ایرانی.
- امین، سیدحسن. (۱۳۸۳). *کارنامه غنی: نقدی بر تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی*. تهران: دائرةالمعارف ایران‌شناسی.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). *معماری معاصر ایران*. تهران: هنر معماری قرن.
- بحرالعلومی، حسین. (۱۳۵۵). *کارنامه انجمن آثار ملی*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۵). *عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری و شهرسازی در دوره پهلوی اول*. *مدرس هنر*، (۱)، ۱-۸.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۱). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران* (ج. ۱). تهران: امیرکبیر.
- پریزاده استیاری، سمیرا. (۱۳۹۳). *معماری به سبک یادمانی و خاستگاه فرهنگی آن*. *کنگره بین‌المللی پایداری در معماری و شهرسازی*، مصدر، امارات متحده عربی.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۵). *آموزش و پرورش در ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ثبات‌ثانی، ناصر. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش.* *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۶(۱۱)، ۴۹-۶۰.
- حدیدی، مختار. (۱۳۷۷). *پهلوی دوم و نمونه اندیشه‌های باستان‌گرایانه* (نگاهی به اسناد محرمانه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی). *تاریخ معاصر ایران*، (۵)، ۱۰۳-۱۸۸.
- حکمت شیرازی، علی‌اصغر. (۱۳۷۹). *ره‌آورد حکمت* (به اهتمام

در جهانی‌شدن و مذهب‌ستیزی تأثیر مستقیمی بر روی این فرایند (در انتخاب شخص مورد نظر یادمان‌ها، شکل و ساختار آرامگاه‌ها) داشته‌اند. رویکرد باستانی‌گرایی نیز، با هدف بازگشت به خویشتن باستانی، در شکل‌گیری عناصر تزئینی این بناها، به‌ویژه در بنای یادمان فردوسی، نقش مهمی داشته است. همراه با تداوم تحولات ملی‌گرایانه و غرب‌گرایانه در دوره دوم پهلوی، اثرگذاری این جریان‌ها به‌واسطه تحولاتی فرهنگی بود که، هم‌زمان با دور دوم فعالیت انجمن آثار ملی، و به‌تبع رویکردهای روشنفکری جدید و همین‌طور بستر فرهنگی ایجادشده برای نسل جدید، به معماری یادمان‌های آرامگاهی جهت دادند؛ با فعالیت گسترده‌تر روشنفکران نسل سوم، و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری بستر فرهنگی و همین‌طور نوع جدیدی از تلاش برای ملی‌گرایی، این بار با استفاده بیشتر از بستر فرهنگی، به نظر می‌رسد تحولات معماری یادمان‌های آرامگاهی آشکارا از این بستر تأثیر پذیرفته‌اند. همین‌طور چنین دریافت می‌شود که طراحی این بناها، نسبت به دوره قبل، از رویکردهای شخصی معماران و تحولات هنری جامعه جهانی تأثیر بیشتری گرفته که هم در فرم و هم در جزئیات منجر به تغییر شده است؛ بنابراین تأثیر این جریان‌ها در دوران‌های مختلف، به‌صورت غیرمستقیم، و به‌واسطه تحولاتی که در زمینه‌های دیگر اجتماعی و فرهنگی رخ داده‌اند، قابل مشاهده است. **تصویر ۳** نحوه این تأثیرگذاری‌ها را بیان می‌کند و به‌طور واضح‌تری به سؤال دوم پژوهش پاسخ می‌دهد. بر این اساس، به دلیل اثرگذاری باواسطه این عوامل در دوره دوم، شکل‌گیری بناهای آرامگاهی این دوره را می‌توان تحت تأثیر تحول فرهنگی بستر جامعه دانست، در صورتی که در دوره اول، شکل‌گیری این بناها تحت تأثیر یک یا دو جریان مستقیم سیاسی بودند.

پی‌نوشت‌ها

۱. nationalism
۲. Ernest Renan
- متخصص زبان‌های سامی و لغت‌شناس، فیلسوف، تاریخ‌نگار و نویسنده فرانسوی (میلر، ۱۳۸۳).
۳. میهن‌شفتگی یا شوونیسم (به فرانسوی: Chauvinisme)، در معنای اصلی و ابتدایی آن، نوعی میهن‌پرستی افراطی و ستیزه‌جویانه و ایمانی کور به برتری و شکوه ملی است.
۴. Nikolai Markov
۵. André Godard
۶. «انجمن آثار ملی» در پاییز سال ۱۳۰۱ ه.ش. با تصویب اساسنامه‌ای تشکیل شد (درخشان، ۱۳۷۸، ۹). بنیان‌گذاران این انجمن اشخاص ذیل بودند: حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک)، حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه)، ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)، عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم)، فیروز میرزا فیروز (نصرت‌الدوله)، حاج سید نصرالله تقوی و ارباب کیخسرو شاه‌رخ (بحرالعلومی، ۱۳۳۵، ۳).
۷. در فهرست کارنامه انجمن ملی، تعداد بناها و سنگ‌مزارهای سفارش‌داده‌شده برای مشاهیر بیش از تعداد واردشده در جدول است که به دلیل وجود ابهامات در اطلاعات به‌دست‌آمده، و همچنین فقدان منابع معتبر قابل ذکر، در جدول وارد نشد.
۸. «فره‌مندی» یا «کاریزما» در لغت به معنی جذابیت و دارا بودن صفات‌های

- تهران: گفتار.
- کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری پهلوی اول*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
 - مختاری طالقانی، اسکندر. (۱۳۹۰). *میراث معماری مدرن ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - میلر، دیوید. (۱۳۸۳). *ملیت (ترجمه داود غرایاق زندی)*. تهران: تمدن ایرانی.
 - نادری، عزت‌الله و سیف‌نراقی، مریم. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*. تهران: بدر.
 - نظری، علی‌اشرف. (۱۳۸۶). *ناسیونالیسم و هویت ایرانی: مطالعه موردی دوره پهلوی اول*. پژوهش حقوق و سیاست، (۲۲)، ۱۴۱-۱۷۲.
 - نساج، حمید. (۱۳۹۲). *مقایسه نوسازی ایران و ترکیه در دوران رضاشاه و آتاتورک*. پژوهش‌های راهبردی سیاست، (۵)، ۱۰۱-۱۳۱.
 - همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۵). *اقتصاد سیاسی ایران (ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی)*. تهران: مرکز.
 - یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۳). *تاریخچه آرامگاه فردوسی*. مشهد: پاژ.
 - Colvin, H. (1991). *Architecture and the After-life*. London: Yale University Press.
 - Shahpur Shahbazi, A. (1999). Ferdowsi, Abu'l-Qāsem: iii. Mausoleum. *Encyclopædia Iranica*, (IX), 524-527.
 - Cole, J. Y. & Reed, H. H. (1997). *The Library of Congress: The Art and Architecture of the Thomas Jefferson Building*. New York: Norton.
 - محمد دبیرسیاقی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 - داعی‌پور، زینب. (۱۳۸۶). *باستان‌گرایی یا شیوه ملی (مقایسه با نئوکلاسیک اروپا)*. رهپویه هنر، (۴)، ۶۸-۷۲.
 - دانیل، ویکتور و تاجدار، گلناز. (۱۳۹۵). *حافظیه و شعرگدار، تفسیر و تأویل معماری حافظیه*. تهران: دوران تحول.
 - درخشان، کیومرث. (۱۳۷۸). *انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: چراغی فرا راه شناخت فرهنگ این مرز و بوم*. کتاب‌ماه کلیات، (۲۱)، ۹-۱۵.
 - رحمانی، علی. (۱۳۸۴). *آلمان، منافع ملی و امنیت جمهوری اسلامی ایران (ج. ۱)*. تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
 - ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران؛ طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷ (ترجمه نوشین احمدی خراسانی)*. تهران: اختران.
 - شایگان، داریوش. (۱۳۷۱). *آسیا در برابر غرب (ج. ۲)*. تهران: باغ آینه.
 - صدیق، عیسی. (۱۳۵۶). *کارنامه انجمن آثار ملی*. یغما، (۳۵۰)، ۵۰۵-۵۱۰.
 - طبیبی، سید جمال‌الدین؛ ملکی، محمد رضا و دلگشایی، بهرام. (۱۳۹۵). *تدوین پایان‌نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی*. تهران: فردوس.
 - عاقلی، باقر. (۱۳۸۷). *روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی (ج. ۲)*. تهران: نامک.
 - قاری‌پور، محمد. (۱۳۸۴). *مصاحبه با هوشنگ سیحون*. آبادی، (۴۸)، ۱۳۰-۱۳۳.
 - کاتم، ریچارد. (۱۳۷۱). *ناسیونالیسم در ایران (ترجمه فرشته سرلک)*.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

یآوری کلور، معصومه؛ آبوازبان، سیمون؛ فخار تهرانی، فرهاد و ساعدسمیعی، اصغر. (۱۳۹۹). تبیین تأثیر جریان‌های اجتماعی و سیاسی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ بر شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی ایران معاصر. *باغ نظر*، (۱۷)، ۵-۱۸.

DOI: 10.22034/BAGH.2020.199826.4282

URL: http://www.bagh-sj.com/article_113207.html

